

ORIGINAL ARTICLE

What is the Mutual Impact of Globalization and Natural Resource Rents on Income Inequality?

Zahra Sadeghi Motamed¹, Abolfazl Shahabadi², Hamid Kordbacheh³

1. Ph. D. Student of Economics,
Department of Economics,
Faculty of Economics and Social
Sciences, Alzahra University,
Tehran, Iran

2. Professor of Economics,
Department of Economics,
Faculty of Economics and Social
Sciences, Alzahra University,
Tehran, Iran

3. Associate Professor,
Department of Economics,
Faculty of Economics and Social
Sciences, Alzahra University,
Tehran, Iran

Correspondence

Abolfazl Shahabadi

Email: a.shahabadi@alzahra.ac.ir

Received: 27/Nov/2024

Accepted: 01/Mar/2025

How to cite:

([DOI:10.30473/EGDR.2025.72917.6919](https://doi.org/10.30473/EGDR.2025.72917.6919))

ABSTRACT

In the contemporary era, knowledge is recognized as a source of wealth for societies, and the role of new production factors in the production function is highly significant. The core of these new production factors is human beings; therefore, inequality can disrupt the process of economic growth and development by affecting individuals' motivation through these new production factors. Additionally, inequality has always been a key factor in development indicators. Thus, studying the determinants of income inequality is essential. In this regard, the present study uses a Dynamic Panel Data (DPD) model and the Generalized Method of Moments (GMM) approach to analyze the interactive effects of globalization and natural resource rents on income inequality in a selected group of countries from 2008 to 2020.

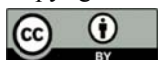
The results indicate that the interaction between globalization and natural resource rents has a positive and significant effect on income inequality. It is suggested that by adopting a strategy of converting natural resources into sustainable and productive capital, while strengthening the economic structure for effective participation in the global economy, a stable income stream can be created to finance supportive policies.

Furthermore, the findings show that gender inequality has a positive and significant impact on income inequality, while democracy has a negative and significant effect on income inequality. However, the impact of institutions on income inequality is negative but insignificant.

KEYWORDS

Income Inequality, Natural Resource Rents, Globalization.

JEL: O15, O13, F02.



«مقاله پژوهشی»

اثر متقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی بر نابرابری درآمد چگونه است؟

زهره صادقی معتمد^۱، ابوالفضل شاه‌آبادی^۲، حمید کردبچه^۳

چکیده

در عصر حاضر دانش به عنوان منبع ثروت جوامع شناخته می‌شود و در تابع تولید نقش عوامل جدید تولید بسیار حائز اهمیت است. محوریت عوامل جدید تولید، انسان است لذا، نابرابری می‌تواند با تحت تأثیر قرار دادن انگیزه‌های افراد از کانال عوامل جدید تولید فرآیند رشد و توسعه اقتصادی را مختل کند. همچنین نابرابری همواره به عنوان عاملی کلیدی در شاخص‌های توسعه مطرح بوده است. لذا مطالعه تعیین‌کننده‌های نابرابری درآمد ضروری است. در این راستا، مطالعه حاضر از مدل پانل دیتای پویا (DPD) و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) برای تحلیل اثرات متقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی بر نابرابری درآمد در گروه منتخبی از کشورها در دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ استفاده می‌کند. نتایج مطالعه حاکی از آنست که تأثیر متقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی بر نابرابری درآمد مثبت و معنادار بوده است. پیشنهاد می‌شود با اتخاذ استراتژی تبدیل منابع طبیعی به سرمایه پایدار و مولد، ضمن تقویت ساختار اقتصادی جهت حضور مؤثر در اقتصاد جهانی با ایجاد جریان درآمدی باثبات بتوان سیاست‌های حمایتی را تأمین مالی کرد. همچنین طبق نتایج، تأثیر نابرابری جنسیتی بر نابرابری درآمد مثبت و معنادار بوده است. تأثیر دموکراسی بر نابرابری درآمد منفی و معنادار و تأثیر نهادها بر نابرابری درآمد منفی و بی‌معنا بوده است.

واژه‌های کلیدی

نابرابری درآمد، رانت منابع طبیعی، جهانی شدن.

طبقه‌بندی JEL: O15, O13, F02.

۱. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
۲. استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
۳. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

ابوالفضل شاه‌آبادی

رایانامه: a.shahabadi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

استناد به این مقاله:

(DOI:10.30473/EGDR.2025.72917.6919)



۱- مقدمه

در گزارشات توسعه جهانی بانک جهانی همواره نابرابری به عنوان یک عامل مؤثر بر توسعه بررسی شده است. نابرابری به پدیده توزیع نابرابر و ناعادلانه منابع و فرصت‌ها در میان اعضای یک جامعه اشاره دارد. درک روزافزونی ایجاد شده است که نابرابری سیستمی است و در ساختارهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ریشه دوانده است (یی‌کوه^۱، ۲۰۲۰). مهم‌ترین عوامل ایجاد نابرابری را در چند دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد: ۱: شرایط مربوط به اقتصاد ۲: طبقه‌بندی‌های جنسیتی، قومیتی و مذهبی ۳: ساختارهای فضایی و مکانی (اطهاری، ۱۳۸۰)، ۴: نوع حکومت (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۴).

بسیاری از نویسندگان «نابرابری» را عمدتاً به معنای «نابرابری درآمد»، «نابرابری ثروت» یا به‌طور گسترده‌تر، نابرابری در «شرایط زندگی» تفسیر می‌کنند. برخی دیگر بیشتر رویکرد حقوقی و قانونی را به نابرابری مرتبط می‌کنند مانند زمانی که مردم در برابر قانون برابر نیستند یا زمانی که مردم از قدرت سیاسی نابرابر برخوردارند (سازمان ملل، ۲۰۱۵). آنچه در این پژوهش دنبال شده است نابرابری درآمد است. از زمان معرفی نابرابری به عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار در سال ۲۰۱۵ تحقیقات در این حوزه افزایش یافته است که نشان از وجود دغدغه جهانی برای رشد آن است.

نابرابری بالا رشد را محدود می‌کند و مقابله با فقر را با مشکل مواجه می‌کند. همچنین می‌تواند شکاف اجتماعی و سیاسی را عمیق‌تر کند و در نهایت منجر به خشونت شود (سازمان ملل، ۲۰۲۰). در نتیجه درک عوامل تعیین‌کننده مؤثر بر نابرابری درآمد جهت اتخاذ سیاست‌های مناسب ضروری است. حجم زیادی از ادبیات اقتصادی تأثیر جهانی شدن بر نابرابری درآمد در سراسر جهان را مورد مطالعه قرار داده است. جهانی شدن یکی از عوامل بسیار مؤثر بر نابرابری درآمد است (کارماکار و جانا^۲، ۲۰۲۲). جهانی شدن با درهم‌تنیدن مرزهای بین‌کشوری می‌تواند فرصت‌های فراوانی را ایجاد کند اما مزایای آن به طور یکسان به همه افراد نمی‌رسد. اگرچه نابرابری در داخل کشور به طور متوسط در حال افزایش است، استثنای آن هم وجود دارد. نابرابری در چندین کشور در حال کاهش است و بسیاری از کشورهای در حال توسعه طی چند دهه گذشته افزایش و کاهش نابرابری را تجربه کرده‌اند.

این تنوع نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران نباید از جهانی شدن به تنهایی به عنوان عامل نابرابری استفاده کنند. برای مقابله با پیامدهای نابرابری باید دلایل ظریف‌تر و کامل‌تر درک شود. عوامل دیگری از جمله منابع طبیعی و رانت حاصل از آن به توضیح این روند کمک می‌کند. در ساختار اقتصادی رانتی افرادی که رانت سرشاری را بین خود تقسیم کرده‌اند می‌توانند از منافع جهانی شدن از جمله در تجارت و سرمایه‌گذاری تا دسترسی‌های مالی بیش‌تر بهره برده و فاصله خود با سایر طبقات درآمدی در کشور را افزایش دهند. با توجه به مطالب بیان شده برآنیم تا تأثیر متقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی را در طول دوره ۲۰۰۸-۲۰۲۰ در کشورهای منتخب بررسی کنیم.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پیشینه نظری

از مهم‌ترین معیارهای بررسی جوامع وضعیت اقتصادی آن جامعه است. چرا که نابرابری در امور اقتصادی یک جامعه می‌تواند چالشی بزرگ برای مردم آن جامعه و همچنین دولت آن‌ها باشد. راولیون^۳ (۲۰۱۸) از مردم می‌خواهد که به این فکر کنند که چرا به نابرابری اهمیت می‌دهند. او می‌گوید حتی اگر هیچ دلیل ذاتی برای اهمیت دادن به نابرابری وجود نداشته باشد، مطالعه نابرابری برای درک چگونگی عملکرد اقتصادها ضروری است. همچنین برای اهدافی مانند کاهش فقر، به ویژه در میان فقیرترین مردم جهان، مفید است. او می‌گوید به همین دلیل است که نابرابری باید موضوع اصلی‌تری در اقتصاد باشد (انجمن اقتصادی آمریکا^۴، ۲۰۱۸).

در گذشته نقش سرمایه فیزیکی در فرآیند تولید و متعاقب آن توسعه اقتصادی بسیار مهم‌تر از سایر عوامل تولید بود و در آن زمان نظریاتی مطرح شد که بیان می‌کرد نابرابری می‌تواند فرآیند توسعه اقتصادی را تسریع ببخشد از طریق انباشت سرمایه فیزیکی (مالینن^۵، ۲۰۱۰)، اما در عصر حاضر دانش به عنوان منبع ثروت جوامع شناخته می‌شود و در تابع تولید نقش عوامل جدید تولید بسیار حائز اهمیت است و از طرفی بیشتر این عوامل جدید تولید مانند: تحقیق و توسعه اقتصادی، نوآوری، کارآفرینی و... در انسان متبلور می‌شود. در نتیجه، نابرابری با تحت تأثیر قرار دادن انگیزه‌های افراد می‌تواند

³. Ravallion

⁴. <https://www.aeaweb.org/research/globalization-income-inequality-trade-policy>

⁵. Malinen

¹. YeeKoh

². Karmakar and Jana

ساموئلسون^۵، (۱۹۴۱)، برخی مطالعات نیز این قضیه را تأیید می‌کنند (مانند رابرتسون^۶، ۲۰۰۴؛ چیکیار^۷، ۲۰۰۸) و برخی آن را بر اساس آزمون‌های فرضیه‌های اقتصادسنجی رد می‌کنند (به عنوان مثال گلدبرگ و پاونچیک^۸، ۲۰۰۷؛ هان و همکاران^۹، ۲۰۱۲).

دیدگاه مخالف جهانی شدن معتقدند جهانی شدن از چندین کانال نابرابری را افزایش می‌دهد. اول اینکه با جهانی شدن برخی صنایع در داخل کشورها که به اندازه کافی رقابت‌پذیر نیستند آسیب می‌بینند. دوم انتشار بیشتر تکنولوژی، صنایع را به سمت سرمایه‌بری و کم کردن نیاز به نیروی کار پیش می‌برد و این امر بر سطح رفاه و درآمد قشرهای آسیب‌پذیر مستقیماً صدمه وارد می‌کند. سوم، ساختار نهادی داخل کشور نیز تعیین می‌کند منافع حاصل از جهانی شدن چگونه توزیع شود. چنانچه، ساختار حاکمیتی مطلوب نباشد نابرابری افزایش خواهد یافت. همچنین نظریه‌های مختلف نشان می‌دهد جهانی شدن ممکن است به طور مستقیم بر انواع دیگر پدیده‌ها (مانند رشد اقتصادی و ساختارهای مالیاتی) تأثیر بگذارد و اینگونه نابرابری درآمد را متأثر سازد (هایمرگر^{۱۰}، ۲۰۱۹). با این حال آزادسازی تجارت اگر به صورت رابطه برد-برد تعیین شود فقر و نابرابری را کاهش می‌دهد (مومونی و ابیل^{۱۱}، ۲۰۲۳).

به صورت کلی جهانی شدن می‌تواند به نابرابری کمک کند. کسانی که منابع و دسترسی به بازارهای جهانی را دارند می‌توانند سریع‌تر رشد کنند، در حالی که کسانی که چنین دسترسی ندارند به مشکل برمی‌خورند.

محرك اصلی جهانی شدن امروز، جهانی شدن اقتصادی است (زی و جین^{۱۲}، ۲۰۲۳). با این حال می‌توان ابعاد دیگر آن را هم بررسی کرد. هیچ نظریه رسمی تأثیر جهانی شدن اجتماعی بر نابرابری درآمد را پیش‌بینی نمی‌کند. با این وجود، اتکینسون^{۱۳} (۱۹۹۷) خاطر نشان می‌کند که تغییر هنجارهای اجتماعی (که ممکن است ناشی از افزایش تعامل و یکپارچگی بیشتر بین کشورها باشد)، می‌تواند بر نابرابری درآمد تأثیر

فرآیند رشد و توسعه اقتصادی را مختل کند. برای مثال نابرابری اقتصادی به عنوان یکی از اشکال نابرابری می‌تواند سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی را محدود کند (نوس و سیلوا^۱، ۲۰۱۴)، به تداوم چرخه‌های فقر کمک می‌کند، کیفیت نهادی را متأثر می‌سازد (فریرا و همکاران^۲، ۲۰۲۲) و توسعه اقتصادی را محدود می‌کند.

۲-۱-۱- جهانی شدن و نابرابری درآمد

جهانی شدن را می‌توان فرآیند ادغام اقتصادهای ملی در اقتصاد فراگیر جهانی دانست که در آن فناوری، اطلاعات و کالاها آزادانه از مرزهای جغرافیایی عبور کرده و به کشورهای مختلف وارد می‌شوند (گزارش رقابت‌پذیری جهانی، ۲۰۱۷). جهانی شدن را می‌توان در سه بعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بررسی نمود. در تشریح چگونگی تأثیرگذاری جهانی شدن اقتصادی بر نابرابری تئوری‌های متعددی وجود دارد. اثر مثبت جهانی شدن توسط تئوری‌های اقتصادی مانند نظریه مزیت نسبی ریکاردو، مدل هکشر-اوهلین و نظریه جدید تجارت مورد حمایت و تأیید قرار گرفته است (هایمرگر^۳، ۲۰۱۹). طبق این نظریات افزایش تجارت در کشورهای توسعه‌یافته نابرابری را افزایش می‌دهد. در مقابل، در کشورهای در حال توسعه که نیروی کار غیرماهر فراوان وجود دارد، افزایش تعاملات تجاری به دنبال جهانی شدن منجر به افزایش تقاضا برای کارگران با مهارت پائین شده و به تبع این امر، دستمزدهای نسبی افزایش خواهد یافت که خود عاملی در جهت بهبود توزیع درآمد است. قضیه معروف استولپر-ساموئلسون^۴ از مدل هکشر-اوهلین به دست می‌آید. بنابر مفاد این قضیه، گسترش جهانی شدن در هر کشور تقاضا را برای نهاده تولیدی که نسبتاً در آن کشور فراوان‌تر است افزایش داده و در نهایت قیمت آن نهاده افزایش خواهد یافت. از آنجا که نیروی کار غیرماهر در کشورهای در حال توسعه و نیروی کار ماهر در کشورهای توسعه‌یافته، فراوان‌تر هستند، تقاضا و دستمزد نیروی کار ماهر در کشورهای توسعه‌یافته و تقاضا و دستمزد نیروی کار غیرماهر در کشورهای در حال توسعه را افزایش می‌دهد و نابرابری در داخل کشور را در کشورهای در حال توسعه کاهش می‌دهد در حالی که، نابرابری را در کشورهای پیشرفته افزایش می‌دهد (استولپر و

⁵. Stolper & Samuelson

⁶. Robertson

⁷. Chiquiar

⁸. Goldberg and Pavcnik

⁹. Han et al.

¹⁰. Heimberger

¹¹. Mumuni and Abile

¹². Xie & Jin

¹³. Atkinson

¹. Neves & Silva

². Ferreira et al.

³. Heimberger

⁴. Stolper-Samuelson Theorem

همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۶) توضیح داد.

رانت اقتصادی، نوعی مازاد یا سود غیرتولیدی است که در نتیجه کمیابی‌های طبیعی یا مصنوعی فراهم می‌شود. این سود خارج از فرآیند تولید ایجاد می‌شود. دسترسی به منبع طبیعی توسط دولت، شخص و شرکت برای وی ایجاد رانت می‌کند (رحمانی و گلستانی، ۱۳۸۸). از آنجا که در غالب کشورها منابع طبیعی در مالکیت دولت است در نتیجه افراد به دنبال کسب ارتباطات نزدیک با مقامات مسئول آن هستند تا از این طریق رانت این منابع را به نفع خود تقسیم کنند. در نتیجه در این کشورها نابرابری درآمد به نفع طبقه مسلط بالا است. گروه‌های ذی‌نفع رفته رفته قدرتمندتر می‌شوند و برای کسب قدرت سیاسی با هم به جدال می‌پردازند. از طرفی در این کشورها حساسیت بالا بردن کیفیت نهادی کمتر است چرا که دولت‌ها از کانال رانت منابع مالی خود را تأمین می‌کنند. اما چنانچه رانت منابع به طور صحیح توزیع شود احتمالاً گروه‌های فقیر هم می‌توانند از مزایای آن بهره‌مند شوند. این موضوع غالباً در کشورهایی با نهادهای قوی رخ می‌دهد. در واقع ساختار اقتصادی مرتبط با بهره‌برداری از منابع طبیعی تأثیر مستقیمی بر نابرابری درآمد دارد (فواز و فری^{۱۳}، ۲۰۲۰). از طرفی قیمت منابع طبیعی بسیار در نوسان است. هنگامی که قیمت منابع طبیعی بالا باشد، رفتار کل اقتصاد بهبود می‌یابد، برعکس در نتیجه، هزینه‌های عمومی برای سیاست‌های اجتماعی با هدف کاهش نابرابری، ظرفیت مالی پایینی خواهد داشت (آلواردو و همکاران، ۲۰۲۱). مورد مهم دیگر مشارکت بالای اقتصاد سایه^{۱۴} در این کشورها است که اثرات نامطلوب بر برابری و کارایی دارد (گراسیایونا^{۱۵}، ۲۰۱۵). افزایش اقتصاد سایه، درآمدهای مالیاتی را به عنوان اصلی‌ترین منبع تأمین مالی هزینه‌ها و مخارج دولت کاهش می‌دهد و این‌گونه توانایی دولت‌ها را برای تأمین مالی سیاست‌های اجتماعی محدود می‌کند که مستقیماً بر نابرابری مؤثر است (دلانو^{۱۶}، ۲۰۱۶).

۲-۱-۳- اثر متقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی

بگذارد، به عنوان مثال، با تأثیرگذاری بر رفتار اتحادیه‌ها، تفاوت‌های دستمزد بزرگ‌تر را از نظر اجتماعی قابل قبول‌تر کند. در رابطه با جهانی شدن سیاسی نیز هیچ دلیل واضحی وجود ندارد که انتظار داشته باشیم همکاری سیاسی بر نابرابری تأثیر بگذارد. تسای^۱ (۲۰۰۷) خاطر نشان می‌کند که نظام سیاسی بین‌المللی می‌تواند منافع فراسرزمینی را وارد عرصه سیاست داخلی کند، مانند مدیریت بیماری همه‌گیر، مسائل حقوق بشر و نگرانی‌های جهانی زیست محیطی، که به پیشرفت رفاه انسان کمک می‌کند. او جهانی شدن سیاسی را به طور مثبت با شاخص توسعه انسانی (HDI)^۲ مرتبط می‌داند. البته نه تئوری و نه تجربه‌گرایی هیچ نشانه‌ای از ارتباط جهانی شدن سیاسی با نابرابری ارائه نمی‌دهند (برگ و نیلسون^۳، ۲۰۱۰).

۲-۱-۲- رانت منابع طبیعی و نابرابری درآمد

رشد اقتصادی پایین‌تر کشورهایی که منابع طبیعی فراوان نسبت به سایر کشورها دارند تناقضی است که به بالای منابع، نفرین منابع^۴ یا تناقض فراوانی شهرت دارد. در سال ۱۹۹۳ ریچارد اوتی، اولین محقق بود که این نظریه را معرفی کرد. نظریه نفرین منابع، بیان می‌کند که بر اساس شواهد جدید نه تنها بسیاری از کشورهای درحال توسعه غنی از منابع از موهبت‌های مطلوب بهره‌مند نمی‌شوند؛ آنها در واقع ممکن است از کشورهای دارای موهبت‌های کمتر عملکرد بدتری و نابرابری درآمدی بیشتری داشته باشند (صادقی عمروآبادی، ۱۴۰۱).

از منظر نظری، این نتایج را می‌توان با مکانیسم‌های مختلفی از جمله افزایش نرخ ارز (گودریس و مالون^۵، ۲۰۱۱)، نوسان قیمت (آلوارادو و همکاران^۶، ۲۰۲۱؛ بریش و همکاران^۷، ۲۰۲۱، کیم و همکاران^۸، ۲۰۲۰؛ نادمی^۹، ۲۰۱۸)، کیفیت نهادی ضعیف (آچامپونگ و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۳) و سیاست‌های ناپایدار (فرزانگان و حبیب‌پور^{۱۱}، ۲۰۱۷؛ رایبسنسون و

1. Tsai

2. Human Development Index

3. Bergh & Nilsson

4. The resource curse

5. Goderis & Malone

6. Alvarado et al.

7. Berisha et al.

8. Kim et al.

9. Nademi

10. Acheampong et al.

11. Farzanegan and Habibpour

12. Robinson et al.

13. Fawaz & Frey

14. Shadow Economy

15. Garcia Vina

16. Dell Anno

منافع حاصل شده در نتیجه جهانی شدن با توجه به ساختار اقتصادی درون کشورها در میان گروه‌های درآمدی مختلف، متفاوت توزیع می‌شود. در ساختار اقتصادی رانتی با نهادهای ضعیف گروه‌های صاحب نفوذ که رانت بیشتری از منابع طبیعی برده‌اند می‌توانند در عرصه تجارت جهانی موفق‌تر عمل کرده و فواید بیشتری را نصیب خود کنند.

در مقابل چنانچه ساختار حکمرانی داخل کشورها مطلوب باشد عواید حاصل از منابع طبیعی که در نتیجه جهانی شدن افزایش پیدا کرده است می‌تواند به طور عادلانه بین گروه‌های مختلف تقسیم شده و شرایط رفاهی طبقات ضعیف را هم بهبود بخشد.

۲-۱-۴- نابرابری جنسیتی و نابرابری درآمد

برابری جنسیتی به عنوان پنجمین هدف توسعه پایدار در نظر گرفته شده است. اما این اصل خود زیربنای همه هدفه هدف است و در صورتی که دنبال نشود تحقق سایر اهداف به صورت کامل ممکن نخواهد بود. نابرابری جنسیتی با وجود برخی پیشرفت‌ها در دهه‌های اخیر همچنان ادامه دارد. برای مثال، زنان در کشورهای توسعه‌یافته در حال حاضر بیشتر از مردان عمر می‌کنند و تحصیلات بهتری دارند. با این حال میانگین درآمد زنان در یک کشور OECD حدود ۱۴ درصد کمتر از میانگین درآمد مردان است (روی و لی، ۲۰۱۹).

برابری جنسیتی بیش از آن که یک موضوع اخلاقی باشد یک موضوع اقتصادی و حیاتی است. برای اینکه اقتصاد جهانی به پتانسیل خود برسد، باید شرایطی ایجاد شود که در آن همه زنان بتوانند خود را شکوفا کنند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۷). امروزه نابرابری جنسیتی، به عنوان وجوه تفاوت و اختلاف در دستیابی به فرصت‌ها برای زنان و دختران، به یکی از معضلات آشکار اقتصاد کشورها تبدیل شده است و معمولاً هزینه‌های این نابرابری، در کل جامعه و به صورت‌های مختلفی متبلور می‌شود. نابرابری درآمد به طرق پیچیده با نابرابری جنسیتی مرتبط است. نابرابری جنسیتی منابع و فرصت‌ها را برای زنان محدود می‌کند. در مقابل، هر گروهی که منابع و فرصت‌های بیشتری در اختیار داشته باشد می‌تواند فاصله خود را با بقیه گروه‌ها بیشتر کند. در مورد نابرابری جنسیتی فرصت و منابع از زنان گرفته و در اختیار جنس مقابل قرار داده می‌شود. به طور کلی دو عامل اصلی

زنان را به درآمد کمتر و در نتیجه ثروت کمتر نسبت به مردان سوق می‌دهد: نرخ مشارکت نیروی کار کمتر و ساعات کار کمتر در بازار کار و دستمزد کمتر (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸)

شکاف دستمزدهای جنسیتی به طور مستقیم به نابرابری درآمد بین زن و مرد کمک می‌کند. در ۲۰۲۲، سهم زنان از مدیریت ۲۷.۵ درصد، سهم در اشتغال ۳۹.۷ درصد و سهم در جمعیت در سن کار ۵۰.۲ درصد گزارش شده است (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۲۳).

علاوه بر این، شکاف در نرخ مشارکت نیروی کار منجر به درآمدهای نابرابر بین دو جنس می‌شود. نابرابری فرصت‌ها بین جنسیت از نظر آموزش، سلامت و بازارهای مالی منجر به نابرابری درآمد می‌شود (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۵) که خود مجدد نابرابری جنسیتی را تقویت می‌کند. چرا که منجر به سرمایه‌گذاری کمتر زنان در سرمایه فیزیکی و انسانی می‌شود و در نتیجه احتمال یافتن شغل‌های مناسب و پردرآمد را کاهش می‌دهد (روی و لی، ۲۰۱۹). در واقع تمرکز ثروت عامل اصلی نابرابری آموزشی است (اوباسویی و راسیا، ۲۰۱۹).

از طرفی مسئولیت اصلی مراقبت در خانواده بر عهده زنان گذاشته شده است. علیرغم رشد مشارکت زنان در بازار تأثیری علی بر نابرابری جنسیتی در درآمد و ثروت دارد (استوارت، ۲۰۲۳).

۲-۱-۵- دموکراسی و نابرابری درآمد

دموکراسی شیوه‌ای برای سازماندهی جامعه است و کلمه دموکراسی به معنای «حکومت مردم» است. در دموکراسی‌ها قدرت سیاسی در دست مردم است. دیکتاتوری در تضاد با دموکراسی معنی می‌شود، در دیکتاتوری یک حزب واحد یا یک فرد واحد تصمیم می‌گیرد.

کشورهایی که بر پایه دموکراسی هستند احتمالاً سیاست‌هایی را پیگیری می‌کنند که نابرابری را کاهش می‌دهد. یک دلیل این است که آن‌هایی که از نظر مالی ضعیف هستند تعداد بیشتری از جمعیت را تشکیل می‌دهند و

³ www.worldbank.org

⁴ ILO Modelled Estimates and Projections (ILOEST) Database, Nov. 2023 edition, ILOSTAT

⁵ Obasuyi & Rasiah

⁶ Stewart

¹ Roy & Le

² International Monetary Fund (IMF)

نابرابری در جامعه بسیار حائز اهمیت است (دوبره و همکاران،^۳ ۲۰۱۹). نهادها ساختارهایی از قواعد و هنجارهای ابداع شده توسط انسان هستند که رفتار فردی را شکل داده و محدود می‌کنند (نورث، ۱۹۹۱).^۴ بدیهی است کیفیت نهادی بالاتر، "قوانین بازی" بهتر ایجاد کرده و منجر به عملکرد اقتصادی بالاتر می‌شود (عجم اوغلو،^۵ ۲۰۱۲). در خصوص اثر نهادها بر توزیع درآمد از طرفی، بهبود نهادها در یک کشور باعث می‌شود تمایل عاملان اقتصادی به فعالیت افزایش یابد و میزان سرمایه‌گذاری افزایش یابد. افزایش سرمایه‌گذاری افزایش توان تولید کالاها و خدمات را منجر می‌شود و به افزایش تقاضا برای نیروی کار و سرمایه انسانی و کاهش بیکاری و توزیع متعادل‌تر درآمد می‌انجامد. همچنین با بهبود شاخص‌های نهادی و کاهش تورم حاصل از آن، میزان درآمد و ثروت فقرا افزایش یافته و فشار اقتصادی بر آنها کمتر می‌شود (کميجانی، ۱۳۷۳). از طرف دیگر، نهادهای کارا فرصت‌های مشارکت اقتصادی را برای اکثریت ایجاد می‌کند. این در حالیست که یکی از دلایل تداوم چرخه‌های فقر، موانع بر سر راه فقرا برای دستیابی به فرصت‌های برابر است و برداشتن این مانع می‌تواند از طریق ایجاد اشتغال به توزیع درآمد کمک کند. نهادهای ناکارا به اقلیت اجازه می‌دهد، از طریق افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی، منافع خود را بدون توجه به منافع اکثریت، افزایش دهند. در نتیجه تغییرات نهادی توزیع قدرت قانونی را در جامعه تغییر می‌دهد و به بازتوزیع منابع کمک می‌کند (کوناواتور و آورتري،^۶ ۲۰۲۰).

۲-۲- پیشینه تجربی

از جمله مطالعات انجام شده در حوزه تعیین‌کننده‌های نابرابری درآمد مطالعه چوی^۷ (۲۰۱۶) است که به دنبال پیوند نابرابری سیاسی و نابرابری اقتصادی در کشورهایی با نظام اقتصادی بر پایه دموکراسی بیان می‌کند که شهروندان از نظر سیاسی در جوامع نابرابر اقتصادی برابر نیستند و نابرابری سیاسی به نوبه خود تأثیر مخربی بر فرآیند توزیع دارد. این مطالعه ۶۹ کشور دموکراسی را در دوره بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲ پوشش می‌دهد. نتایج تأیید نمی‌کند که اثرات درون‌زای قابل توجهی بین نابرابری سیاسی و نابرابری اقتصادی وجود

در نتیجه حق رأی بیشتری دارند اگر حکومت دموکراتیک باشد. در واقع برابری سیاسی باعث می‌شود تا عموم مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشارکت داشته باشند و حکومت در دست مردم قرارگیرد ولی در جوامعی که حکومت‌های استبدادی بر آنها سیطره دارند و مردم در جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی جایگاهی ندارند، قدرت سیاسی و تصمیم‌گیری در اختیار کسانی است که از قدرت اقتصادی برخوردارند و لذا اوضاع اقتصادی جامعه را به سویی هدایت می‌کنند که صرفاً منافع خودشان تأمین گردد. به همین دلیل نابرابری موجود در توزیع درآمد و ثروت به سود فقرا تغییر نمی‌کند. از طرفی هرچه سیاست‌مداران بیشتری برای حمایت از شهروندان رقابت کنند، بخش عمومی خدمات بیشتری برای هر سطح درآمدی تولید می‌کند. از آنجا که دموکراسی رقابت را القا می‌کند (یا توسط آن تعریف می‌شود)، خدمات عمومی را بهبود می‌بخشد. اگر گروه‌های با درآمد پایین‌تر به طور نامتناسبی از فعالیت‌های دولتی، به‌ویژه آموزش عمومی سود می‌برند، دموکراسی پراکندگی سرمایه انسانی را کاهش می‌دهد و باعث کاهش نابرابری می‌شود (تیمونز،^۱ ۲۰۱۰).

در مقابل دیدگاهی وجود دارد که تأکید دارد دموکراسی نابرابری را محدود نمی‌کند.

دلیل اول این است که شهروندان ضعیف ممکن است توسط شکاف‌های اجتماعی دیگری مانند مذهب یا قومیت چند دسته شوند و این می‌تواند مانع اتخاذ سیاست‌های برابری شود. مورد دوم باورهای شهروندان در مورد عادلانه بودن سیاست‌های بازتوزیع است. اغلب فرض بر این است که کسانی که دارایی کمتری دارند خواهان توزیع مجدد هستند، اما این بستگی دارد به اینکه آیا شهروندان این سیاست‌ها را منصفانه می‌دانند یا خیر. مورد سوم، اگر ثروتمندان بتوانند علی‌رغم اصل حق رأی مساوی هر فرد، نفوذ بر دولت داشته باشند، ممکن است از این نفوذ برای جلوگیری از سیاست‌های برابرطلبانه استفاده کنند (شیو و استاساویچ،^۲ ۲۰۱۷).

۲-۱-۶- نهاد و نابرابری درآمد

مطالعات محدودی در رابطه با تأثیر کیفیت نهادی بر نابرابری درآمد وجود دارد و این امر انگیزه‌ای برای تحقیق در این زمینه ایجاد می‌کند چرا که نقش کیفیت نهادی بر

^۳. Dobre et al

^۴. North

^۵. Acemoğlu

^۶. Kunawotor and Avortri

^۷. Choi

^۱. Timmons

^۲. Scheve & Stasavage

قوی‌تر را نشان می‌دهد. سوم، شواهد، این فرضیه را که جهانی‌سازی اقتصادی نابرابری درآمدی در داخل کشور را در کشورهای درحال توسعه کاهش می‌دهد رد می‌کند. چهارم، آموزش و فناوری تأثیر جهانی شدن بر نابرابری درآمد را تعدیل می‌کند. در واقع گروهی از مطالعات بیان می‌کنند جهانی شدن نابرابری درآمد را چه در داخل و چه در بیرون کشورها تشدید می‌کند از جمله مطالعات فایرباگ^۹ (۲۰۰۳)؛ وید^{۱۰} (۲۰۰۴) و... ولی گروهی از مطالعات بیانگر تأثیر متفاوت جهانی شدن بر نابرابری درآمد در کشورها با توجه به سطح توسعه‌یافتگی آنان است مانند مطالعه میلز^{۱۱} (۲۰۰۹)؛ استولپر و ساموئلسون^{۱۲} (۱۹۴۱)؛ رابرتسون^{۱۳} (۲۰۰۴)؛ چیکار (۲۰۰۸). منابع رانتی دولت‌ها منابع ناپایداری هستند که عموماً در سیاست‌گذاری اقتصادی استفاده می‌شوند. در رابطه با اثر این منابع رانتی بر عملکرد اقتصاد تئوری‌های مختلفی بیان شده است. از جمله، تئوری‌های نفرین منابع و دولت رانتیر^{۱۴} هستند که اثرات منفی درآمدهای رانتی دولت بر عملکرد اقتصاد را مورد توجه قرار می‌دهند (صادقی عمروآبادی، ۱۴۰۱).

بررسی ادبیات انجام شده توسط صبری و داچروبی^{۱۵} (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که این فرضیه همیشه تأیید نمی‌شود. در واقع، چندین کار نشان داده‌است که وابستگی به منابع طبیعی علت نابرابری است (آکپا^{۱۶}، ۲۰۲۳؛ هارتول و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۹؛ جانتی و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۸) در حالی که برخی دیگر کاهش نابرابری را در کشورهای غنی از منابع نشان می‌دهند (کیم و لین^{۱۹}، ۲۰۱۸؛ پولیکاردو و کاررا^{۲۰}، ۲۰۱۸). همچنین آثاری با نتایج ترکیبی وجود دارد (دیویس^{۲۱}، ۲۰۲۰) یا نشان‌دهنده یک رابطه غیر خطی است (تادجو و

دارد، اگرچه شواهدی از همبستگی وجود دارد. پیکتی^۱ (۲۰۱۴) و بونیکا و همکاران^۲ (۲۰۱۳) مطالعاتی در این زمینه داشته‌اند. زمانی که در رابطه با برابری سیاسی صحبت می‌شود غالباً از میزان دموکراسی به عنوان پراکسی از برابری سیاسی استفاده می‌شود. اسمیت و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در مطالعه خود نشان می‌دهد که عموماً کشورهایی با سطوح بالای دموکراسی نسبت به کشورهای غیردموکراتیک، با استفاده از روش‌شناسی دقیق و داده‌های ۱۴۶ کشور، احتمال کاهش یا محدود کردن نابرابری ثروت را ندارند. دموکراسی به اصلاحات خاصی نیاز دارد تا هم برابری سیاسی را افزایش دهد و هم نابرابری ثروت را محدود کند. از جمله وجود حکومت منطقه‌ای منتخب قوی و مستقل و احترام گسترده به آزادی‌های مدنی. در مطالعات مشابهی لی و همکاران^۴ (۱۹۹۸) رابطه منفی بین دموکراسی و نابرابری پیدا کردند. و گردشتاین و همکاران^۵ (۲۰۰۱) دریافتند که دموکراسی تأثیر منفی اما ضعیفی بر نابرابری دارد. در دهه‌های اخیر، سؤالاتی در مورد اینکه چگونه یکپارچگی جهانی بر نابرابری در سرتاسر جهان تأثیر گذاشته است، در مرکز مناقشات علوم اقتصادی و اجتماعی قرار داشته است. نتایج مطالعه کارماکار و جانا^۶ (۲۰۲۲) نشان می‌دهد نابرابری در درآمد و ثروت، همچنین در دستمزدها در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه افزایش یافته است. تغییرات تکنولوژیکی و جهانی شدن عامل اصلی آنهاست. اوساکو و سولدر^۷ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای تمرکز خود را بر تعیین ارتباط نابرابری درآمد و نابرابری ثروت گذاشته‌اند. مطالعه شین^۸ (۲۰۲۰) نیز در راستای تعیین این رابطه انجام شده‌اند.

در مطالعه دیگری هایمبرگر (۲۰۱۹) به دنبال این است که "آیا جهانی شدن اقتصادی بر نابرابری درآمد تأثیر می‌گذارد؟". این مقاله از یک مجموعه داده متشکل از ۱۲۵۴ مشاهده از ۱۲۳ مقاله بررسی شده استفاده کرده و چندین یافته اصلی به دست آورده‌است. اول، جهانی شدن تأثیر مثبت بر نابرابری درآمد دارد. دوم، در حالی که تأثیر جهانی شدن تجارت کم است، جهانی شدن مالی تأثیر نابرابری بزرگ‌تر و

⁹. Firebaugh

¹⁰. Wade

¹¹. Mills

¹². Stolper & Samuelson

¹³. Robertson

^{۱۴}. دولت رانتیر را می‌توان به عنوان دولتی تعریف کرد که در آن رانت توسط بازیگران خارجی پرداخت می‌شود و دولت تنها دریافت‌کننده آن است و تعداد کمی درگیر تولید این رانت هستند و اکثریت در توزیع یا بهره‌برداری از آن دخیل هستند.

¹⁵. Sebri & Dachraoui

¹⁶. Akpa

¹⁷. Hartwell et al.

¹⁸. Jäntti et al

¹⁹. Kim & Lin

²⁰. Policardo & Carrera

²¹. Davis

¹. Piketty

². Bonica et al.

³. Smith et al.

⁴. Li et al.

⁵. Gradstein et al.

⁶. Karmakar & Jana

⁷. Osakwe & Solleder

⁸. Shin

همکاران^۱، ۲۰۲۳).

مطالعه‌های تجربی دهه‌های اخیر اقتصاد کشورها با سطوح درآمدی متفاوت به لحاظ دسترسی به منابع طبیعی، نشان داده است که وفور منابع طبیعی و درآمد ناشی از فروش آن می‌تواند از یک طرف سرمایه با ارزشی برای کشورها محسوب شود که با سرمایه‌گذاری‌های دولت در زیر ساخت‌های اصلی موجبات پیشرفت اقتصادی و توزیع برابر درآمدها را فراهم آورد. از طرف دیگر، با ایجاد فرصت‌های رانت‌جویی و تشکیل اقتصاد سایه، توزیع درآمد را نابرابر کند (روزدار و همکاران، ۱۴۰۲). ساوادوگو و ایوبا^۲ (۲۰۲۳) با بررسی ۷۳ کشور طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۵ اشاره دارند با توجه به نهادهای موجود تأثیر رانت بر توزیع درآمد متفاوت است.

پژوهش آکپا (۲۰۲۳) در جنوب صحرا آفریقا نشان می‌دهد رانت منابع طبیعی صرفاً نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد، اما تعامل آن با آموزش به‌طور معناداری نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد. آووم و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در ۴۲ کشور جنوب جنوب صحرای آفریقا (SSA) در دوره ۲۰۱۸-۱۹۹۸ نتایج نشان می‌دهد که رانت منابع طبیعی بر نابرابری درآمدی اثر منفی و معنی‌دار آماری دارد.

از طرفی نقش کیفیت نهادی بر نابرابری اقتصادی در جامعه بسیار حائز اهمیت است (دوبره و همکاران ۲۰۱۹). الخفاجی و المولا-ضنون^۴ (۲۰۲۲) با استفاده از روش داده‌های داده‌های تابلویی برای دوره (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸) به این نتایج رسیدند که متغیرهای نهادی نقش توزیعی مهم‌تری نسبت به متغیرهای اقتصادی دارند و تنها متغیر نهادی مؤثر بر توزیع درآمد به نفع طبقه ثروتمند، کنترل فساد است. در حالی که متغیرهای نهادی که اثر توزیعی به نفع فقرا دارند عبارتند از اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و کیفیت مقررات. متغیرهای مؤثر بر توزیع درآمد به نفع طبقه متوسط، اثربخشی دولت، کیفیت نظارتی و حاکمیت قانون بود. در مطالعه مشابهی ناپلاوا^۵ (۲۰۲۰) در کشورهای منتخب پس از شوروی طی دوره ۲۰۰۲-۲۰۱۷ با استفاده از تجزیه و تحلیل پانل، یک رابطه غیرخطی (U معکوس) بین کیفیت نهادی و نابرابری درآمد پیدا کرد. کوناواتور و آورتري^۶ (۲۰۲۰) می و لیو^۷

(۲۰۱۴)؛ دینسر و گونالپ^۸ (۲۰۱۲)؛ چانگ و گرادستین^۹ (۲۰۰۴) نمونه مطالعات مشابه دیگری هستند که به تأثیر منفی کیفیت نهادی بر نابرابری درآمد اشاره کرده‌اند.

از طرفی دستیابی به برابری جنسیتی برای همه نسل‌ها در همه کشورها ضروری است تا جهان به شیوه‌ای عادلانه و مستمر رشد کند. تنها جهانی با برابری جنسیتی بیشتر باعث رشد بیشتر و نابرابری کمتر و پایداری بیشتر خواهد شد. روی و لی (۲۰۱۹) به بررسی تأثیرات برابری جنسیتی در کشورهای OECD طی دوره ۲۰۱۵-۱۹۹۰ بر نابرابری درآمد پرداخته‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند که نابرابری جنسیتی با وجود برخی پیشرفت‌ها در دهه‌های اخیر همچنان ادامه دارد. برای مثال، زنان در کشورهای توسعه‌یافته در حال حاضر بیشتر از مردان عمر می‌کنند و تحصیلات بهتری دارند اما با این حال میانگین درآمد زنان در یک کشور OECD حدود ۱۴ درصد کمتر از میانگین مردان است.

با توجه به اینکه نابرابری دغدغه جهانی است مطالعه تعیین‌کننده‌های آن ضرورت می‌یابد. از زمان جنگ جهانی دوم به بعد جریان‌های تجارت، تکنولوژی و اطلاعات و سایر فاکتورهای جهانی‌سازی تأثیر چشمگیر بر اقتصاد کشورها داشته‌اند. در دوران‌های بحران جنبه‌های منفی جهانی شدن بیشتر نمود داشته‌اند اما در دوره‌های رونق هم منافع حاصل از جهانی شدن به صورت برابر در جامعه جهانی توزیع نشده است. از طرفی همواره یکی از موضوعات مورد مناقشه اقتصاددانان جهانی شدن و تأثیرات آن بوده است. در مطالعات موجود تأثیرات جهانی شدن بر نابرابری اقتصادی بسیار مورد توجه بوده‌است مانند مطالعات هایمبگر (۲۰۱۹)؛ میلز (۲۰۰۹)؛ فایرباگ (۲۰۰۳) و... اما در نظر گرفتن اثر متقابل آن با رانت منابع طبیعی کاری است که منحصر در این مقاله به آن پرداخته شده است.

اشکال مختلف نابرابری‌ها بر هم مؤثر هستند (شیموویچووا و اوربانچیکووا^{۱۰}، ۲۰۲۲) با این وجود در مطالعات سابق از جمله مطالعات روی و لی (۲۰۱۹)؛ چوی (۲۰۱۶)؛ اوساکو و سولدر (۲۰۲۳) صرفاً تأثیر یکی از اشکال نابرابری (جنسیتی یا سیاسی) بر نابرابری درآمد مورد بررسی

1. Tadjadjeu et al.

2. Sawadogo & Ouoba

3. Avom et al.

4. Alkhafaji & Almula-Dhanoon

5. Náplava

6. Kunawotor and Avortri

7. Mi & Liu

8. Dincer & Gunalp

9. Chong & Gradstein

10. Šimovičová & Urbančíková

قرار گرفته است.

از طرفی زمانی که درباره نابرابری و عوامل تعیین کننده آن صحبت می شود نمی توان شرایط نهادهای کشورها را نادیده گرفت پس لزوم ورود این عامل در کنار عوامل دیگر وجود دارد. این در حالی است که در مطالعات سابق، مطالعاتی که به تأثیر نهادها بر نابرابری اقتصادی پرداخته اند اشکال دیگر نابرابری را مورد مطالعه قرار نداده اند از جمله مطالعات: کوناواتور و آورتوری (۲۰۲۰)؛ می و لیو (۲۰۱۴)؛ دینسر و گونالپ (۲۰۱۲)؛ چانگ و گرادستین (۲۰۰۴).

در پژوهش حاضر ضمن بررسی این تأثیر برآنیم، تأثیر رانت و اثر متقابل آن با جهانی شدن را بر توزیع درآمد، در کنار اشکال دیگری از نابرابری و نهادها ببینیم. کاری که منحصر در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است.

۳- روش شناسی پژوهش

۳-۱- مدل

این پژوهش یک مطالعه بین کشوری است که با استفاده از مدل پانل دیتای پویا (DPD^۱) و روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM^۲)، تأثیر متقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی بر نابرابری درآمد را در کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۲۰، با بهره گیری از نرم افزار Stata 15 برآورد کرده است. داده های پانل شامل مشاهدات مکرر در طول زمان بر روی مجموعه ای از مقاطع است. لذا مشاهدات در پانل دارای دو بعد مقطع و زمان و یک ساختار سلسله مراتبی است که با پویایی و تفاوت های منحصر به خود، چندین مزیت نسبت به داده های سری زمانی و مقطعی دارد (هسیائو^۳، ۲۰۰۷ و وولدریج^۴، ۲۰۰۹).

از مدل پانل پویا برای حل مشکلات مربوط به خودهمبستگی و ناهمگنی استفاده می شود. به عنوان یک روش جایگزین می توانستیم از مدل اثرات تصادفی استفاده کنیم که به وسیله هانسون^۵ (۱۹۹۹) پیشنهاد شده است اما مسائل مربوط به درون زایی برای بعضی متغیرهای توضیحی هنوز هم حل نشده باقی خواهد ماند (بلوندل و باند^۶، ۱۹۹۸). این همان علت اصلی است که در این مقاله از مدل پانل

دیتای پویا و روش GMM استفاده شده است. در معادلاتی که در تخمین آن ها اثرات غیرقابل مشاهده خاص هر کشور و وجود وقفه متغیر وابسته در متغیرهای توضیحی وجود دارد از تخمین زن گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) که مبتنی بر مدل های پویای پانلی است استفاده می شود. در این روش برای رفع همبستگی متغیر وابسته با وقفه و جمله خطا، وقفه متغیرها به عنوان ابزار در تخمین زن به کار می رود. با توجه به اینکه واریانس ناهمسانی عمدتاً در داده های پانل و مقطعی یک قاعده است، تخمین زن دومرحله ای کارا تر است (بالتاگی^۷، ۲۰۰۵).

سازگاری تخمین زننده GMM به معبر بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد. در این راستا دو آزمون توسط آرانو و باند (۱۹۹۱) پیشنهاد شده است؛ آزمون سارگان که معبر بودن ابزارها را می سنجد و آزمون همبستگی سریالی که در قسمت تخمین مدل به آن ها خواهیم پرداخت.

براساس مبانی نظری و با الهام گرفتن از مطالعات روی و لی (۲۰۱۹)، استوارت (۲۰۲۳)، زی و جین (۲۰۲۳) معادله پانل زیر تشکیل شده است:

$$\ln Income Inequality_{it} = \beta_1 + \beta_2 \ln democracy_{it} + \beta_3 \ln Institutions_{it} + \beta_4 \ln Rents * Globalization_{it} + \beta_5 \ln Gender Inequality_{it} + \beta_6 \ln Income Inequality_{i, t-1} + \mu_{it}$$

۳-۲- داده

با توجه به اینکه نابرابری با توجه به سطح توسعه یافتگی کشورها نموده های مختلفی خواهد داشت و یکی از شاخص های توسعه یافتگی درآمد بالا است، کشورهایی که انتخاب شده اند همگی در گروه کشورهای با درآمد بالا و متوسط به بالا هستند (طبق آخرین آمار منتشر شده توسط بانک جهانی) و معیار سنجش درآمد مقدار شاخص GNI per capita بوده است. همچنین تلاش شده کشورهای منتخب از منظر سایر متغیرهای مورد بررسی کمابیش با یکدیگر همخوانی داشته باشند تا نتایج آماری اتخاذ شده قابل تعمیم باشد. همچنین در رابطه با توجیه دامنه زمانی پژوهش محدودیت های آماری است. داده های شاخص نابرابری جنسیتی از ۲۰۰۸ و داده های شاخص دموکراسی تا ۲۰۲۰ موجود است. لذا دوره زمانی مطالعه محدود به سال های ۲۰۰۸

^۱. Dynamic Panel Data

^۲. Generalized Method of Moments

^۳. Hsiao

^۴. Wooldrige

^۵. Hanson

^۶. Blundell & Bond

^۷. Baltagi

تا ۲۰۲۰ است.

جدول ۱. معرفی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش

متغیر	تعریف	شاخص مورد استفاده	نماد	منبع آماری
نابرابری درآمد	انواع مختلفی از نابرابری اقتصادی وجود دارد از جمله نابرابری درآمد و نابرابری ثروت. نابرابری درآمد با استفاده از توزیع درآمد (مقدار پولی که به مردم پرداخت می‌شود) اندازه‌گیری می‌شود و نابرابری ثروت نیز با استفاده از توزیع ثروت (میزان ثروتی که مردم دارند) اندازه‌گیری می‌شود. علاوه بر نابرابری اقتصادی بین کشورها یا دولت‌ها، انواع مهمی از نابرابری اقتصادی بین گروه‌های مختلف مردم وجود دارد (Global Finance, 2022).	سهام دهک اول از درآمد	Income Inequality	Wid.world
جهانی شدن	جهانی شدن به معنای گسترش روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بین افراد و کشورها در سطح بین‌الملل است (شولت ^۱ ، ۲۰۰۲). جهانی شدن دارای سه رکن اصلی جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن سیاسی و جهانی شدن اجتماعی است. جهانی شدن اقتصادی، وابستگی متقابل اقتصادی ملت‌ها (راکش‌موهان ^۲ ، ۲۰۰۹): جهانی شدن اجتماعی به انتقال عقاید، معانی و ارزش‌ها در سراسر جهان گفته می‌شود (پل ^۳ ، ۲۰۰۶) و جهانی شدن سیاسی به رشد نظام سیاسی جهانی، هم از نظر اندازه و هم از نظر پیچیدگی اشاره دارد.	شاخص KOF	Globalization	KOF
رانت منابع طبیعی	در علم اقتصاد، رانت پس از محاسبه تمام هزینه‌ها و بازده عادی، یک ارزش اضافی است، یعنی تفاوت بین قیمتی که یک محصول از یک منبع را می‌توان با آن به فروش رساند و هزینه‌های استخراج و تولید مربوطه آن، از جمله بازده عادی. زمانی که در رابطه با منابع طبیعی صحبت شود به آن رانت منابع طبیعی می‌گویند (اسچرز و سینر ^۴ ، ۲۰۰۶).	سهم رانت منابع طبیعی (% از تولید ناخالص داخلی)	Rents	World Bank
نابرابری جنسیتی	وضعیتی که در آن جنسیت حقوق و منزلت‌های متفاوتی را برای مردان و زنان تعیین می‌کند (کیم ^۵ ، ۲۰۲۱). در این نوع تبعیض شاهد نابرابری در دستیابی به فرصت‌ها، نابرابری در دستمزد، نابرابری در اشتغال، نابرابری در تحصیل، نابرابری در موقعیت‌های سیاسی و... هستیم.	شاخص نابرابری جنسیتی	Gender Inequality	UNDP
نهاد	نهادهای ساختارهایی از قواعد و هنجارهای ابداع شده توسط انسان هستند که رفتار فردی را شکل داده و محدود می‌کنند (نورث ^۶ ، ۱۹۹۱). قوانین، قراردادهای اجتماعی و	شاخص‌های حکمرانی	Institution	Govindicators

1. Sholte

2. Rakesh Mohan

3. Paul

4. cherzer & Sinner

5. Kim

6. North

			هنجارها همه نمونه‌هایی از نهادها هستند. نهادها در سطح رسمی و غیررسمی متفاوت هستند (کوہین ^۱ ، ۱۹۸۸).	
دموکراسی	شاخص دموکراسی واحد اطلاعات اکونومیست	Democracy	Economist	تعاریف دموکراسی مورد مناقشه است. اگرچه اصطلاحات «آزادی» و «دموکراسی» اغلب به جای هم استفاده می‌شوند، اما این دو به یک معنا نیستند. دموکراسی را می‌توان مجموعه‌ای از رویه‌ها و اصولی دانست که آزادی را نهادینه می‌کند و در نهایت از آن محافظت می‌کند. اکثر محققان امروزه موافقند که حداقل، ویژگی‌های اساسی یک دموکراسی شامل حکومت مبتنی بر رأی اکثریت و رضایت حکومت‌شوندگان است همچنین وجود انتخابات آزاد و عادلانه؛ حمایت از حقوق اقلیت‌ها و احترام به حقوق اولیه بشر از ویژگی‌های دموکراسی است. دموکراسی مستلزم برابری در برابر قانون، روند قانونی و کثرت‌گرایی سیاسی است.
اثر متقابل جهانی شدن و رانت	حاصل ضرب شاخص جهانی شدن در رانت منابع طبیعی	Rents*Globalization	KOF, World Bank	برای نشان دادن اثر متقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی از حاصل ضرب شاخص جهانی شدن در رانت منابع طبیعی (درصدی از تولید ناخالص داخلی) استفاده شده است.

جدول ۲. توصیف آماری متغیرهای پژوهش

کمترین مقدار	بیشترین مقدار	انحراف معیار	میانگین	تعداد مشاهدات	متغیرها
0/28	0/65	0/09	0/4	۳۲۵	سهم دهمک اول از درآمد
0/01	0/69	0/17	0/29	۳۲۵	نابرابری جنسیتی
50/3	۹۱	10/5	76/8	۳۲۵	جهانی شدن
0/008	55/02	11/02	6/5	۳۲۵	رانت منابع طبیعی
1/71	9/93	2/5	6/8	۲۰۰	دموکراسی
-1/25	1/84	0/8	0/7	۳۲۵	حکمرانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مأخذهای آماری: worldbank, aeaweb, OurWorldInData, UNDP

¹. Keohane

۴- یافته‌های پژوهش

در این قسمت از پژوهش تخمین مدل و تفسیر نتایج ارائه خواهد شد.

۴-۱- آزمون وابستگی بین مقاطع

قبل از برآورد مدل پانل دیتا، لازم است پایایی متغیرها بررسی شود. اما قبل از انجام آن، باید آزمون وابستگی بین مقاطع، جهت بررسی انتخاب آزمون ریشه واحد مناسب انجام شود. آزمون‌های مختلفی جهت بررسی پایایی متغیرهای داده‌های پانل وجود دارد که انتخاب آزمون مناسب از بین آنها در گام اول منوط به نتایج آزمون وابستگی بین مقاطع است. جهت بررسی وابستگی بین مقاطع از آزمون وابستگی بین مقاطع پسران (۲۰۰۳) استفاده شده است. در صورت تأیید وابستگی مقطعی در داده‌ها، استفاده از برخی روش‌های ریشه واحد داده‌های پانل مانند آزمون لوین، لین و چو (LIC) و یا ایم، پسران و شین (IPS) احتمال وقوع نتایج ریشه واحد کاذب را افزایش می‌دهد. برای رفع این مشکل آزمون‌های ریشه واحد داده‌های پانل متعددی با وجود وابستگی مقطعی پیشنهاد شده است که آزمون ریشه واحد پسران (CIPS) نمونه‌ای از آن است. نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسران در جدول ۳ آورده شده است.

طبق نتایج وابستگی مقاطع در همه متغیرها به جز لگاریتم سهم دهک بالا از درآمد وجود دارد. بنابراین آزمون ریشه واحد مناسب در این پژوهش، آزمون ریشه واحد پسران (۲۰۰۳) است.

۴-۲- آزمون ریشه واحد

گام بعدی بررسی ایستایی متغیرها است که با توجه به اینکه وابستگی مقاطع پذیرفته شده است، آزمون مناسب آزمون ریشه واحد پسران (۲۰۰۳) است که در آن وابستگی مقطعی در نظر گرفته شده است.

۴-۳- آزمون هم‌انباشتگی

با توجه به نتایج آزمون ریشه واحد، برخی از متغیرهای الگو در سطح و برخی با یک مرتبه تفاضل‌گیری پایا هستند. به دلیل اینکه برخی متغیرها در سطح پایا نیستند، امکان وجود رگرسیون کاذب وجود دارد. برای اطمینان از نتایج به دست آمده باید وجود ارتباط بلندمدت میان متغیرها بررسی شود. آزمون‌های مختلفی به بررسی رابطه هم‌انباشتگی میان متغیرها در داده‌های پانل نظیر پدرونی^۱ (۱۹۹۹ و ۲۰۰۴)،

وسترلاند^۲ (۲۰۰۷) و کائو^۳ (۱۹۹۹) وجود دارد. در این پژوهش از آزمون وسترلاند جهت بررسی وجود یا عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی استفاده گردید. از آنجا که مدل برآوردی پانل پویا است و از روش GMM برای آن بهره گرفته شده است آزمون وسترلاند به دلیل استفاده از مدل تصحیح خطا برای پانل‌های پویا و با ناهماهنگی مقطعی انتخاب بهتری خواهد بود. براساس نتایج آزمون رابطه بلندمدت بین متغیرها در تمام حالت‌های برآوردی مدل تأیید گردید.

۴-۴- برآورد مدل

بعد از اثبات وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها، بدون نگرانی از بروز رگرسیون کاذب، به تخمین مدل و تفسیر نتایج می‌پردازیم.

طبق نتایج جدول ۴ ضریب متغیر تأخیری ۰/۶۹ تا ۰/۷ مثبت و معنادار است که نشان می‌دهد که نابرابری درآمدی در گذشته، تأثیر قوی و پایداری بر سطح نابرابری کنونی دارد. مقدار بزرگ این ضریب نشان‌دهنده پایداری بالای نابرابری درآمدی در کشورهای مورد مطالعه است.

تأثیر شاخص نابرابری جنسیتی بر نابرابری درآمد با ضریب ۰/۰۱ در تمامی مدل‌ها مثبت و معنادار بوده است. در واقع نابرابری جنسیتی از طریق شکاف‌های دستمزد، شکاف در نرخ مشارکت و نابرابری فرصت‌ها از نظر آموزش، سلامت و بازارهای مالی، نابرابری را ایجاد و تشدید می‌کند. نتایج مطابق نتایج تجربی مطالعات روی و لی (۲۰۱۹) و استوارت (۲۰۲۳) است. تأثیر شاخص دموکراسی بر نابرابری درآمد با ضریب ۰/۰۲ تا ۰/۰۴ منفی و معنادار بوده است. احتمالاً کشورهای که برپایه دموکراسی هستند سیاست‌هایی را ایجاد می‌کنند که نابرابری را کاهش می‌دهد. نتایج مطالعه حاضر، توسط نتایج تجربی مطالعات تیمونز (۲۰۱۰) و شیو و استاساوویچ (۲۰۱۷) حمایت می‌شود. تأثیر نهادها بر نابرابری درآمد با ضریب ۰/۰۰۹ تا ۰/۰۲ منفی و بی‌معنا بوده است. نهادهای کارا فرصت‌های مشارکت اقتصادی را برای اکثریت ایجاد می‌کند. این در حالیست که یکی از دلایل تداوم چرخه‌های فقر، موانع بر سر راه فقرا برای دستیابی به فرصت‌های برابر است و برداشتن این مانع می‌تواند از طریق ایجاد اشتغال به توزیع درآمد کمک کند. کوناواتور و آورتوری (۲۰۲۰) و الخفاجی و المولا-ضنون (۲۰۲۲) بر وجود رابطه منفی در مطالعات خود تأکید کرده‌اند. اما می‌توان استدلال

^۲. Westerlund Cointegration Test

^۳. Kao Cointegration test

^۱. Pedroni Cointegration Test

کرد نهادها در کشورهایی که به حدی از رشد و توسعه رسیده‌اند دغدغه کاهش نابرابری را ندارد و احتمالاً تمرکز اصلی نهادها بر گسترش یک تولید ناخالص داخلی است.

در حالت ۱، تأثیر جهانی شدن بر نابرابری درآمد با ضریب $0/09$ منفی و معنادار شده است. اثر مثبت جهانی شدن توسط تئوری‌های اقتصادی مانند نظریه مزیت نسبی ریکاردو، مدل هکشر-اوهلین و نظریه جدید تجارت مورد حمایت و تأیید قرار گرفته است (هیمبرگر، ۲۰۱۹). ظاهراً جهانی شدن در گروه کشورهای مورد مطالعه با افزایش دسترسی به بازارها، اطلاعات، فناوری و گسترش یکپارچگی اجتماعی و سیاسی نابرابری را کاهش می‌دهد. نتایج مطالعه حاضر توسط مطالعات رابرتسون (۲۰۰۴) و چیکیار (۲۰۰۸) حمایت می‌شود. در حالت ۲، تأثیر رانت منابع طبیعی بر نابرابری درآمد با ضریب $0/05$ مثبت و معنادار شده است. رانت حاصل از منابع طبیعی می‌تواند از طریق کاهش انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری و همچنین از طریق تضعیف ساختار نهادی منجر به کاهش برنامه‌های حمایت اجتماعی شود. نتایج مطالعه حاضر توسط مطالعات آلواردو و همکاران (۲۰۲۱)، فواز و فری (۲۰۲۰) و رحمانی و گلستانی (۱۳۸۸) تأیید می‌شود. در حالت ۳، تأثیر متقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی بر نابرابری درآمد با ضریب $0/05$ مثبت و معنادار شده است. جهانی شدن در صورت وجود ساختار رانتیر در کشورها می‌تواند توزیع منافع حاصل از جهانی شدن را به نفع گروه‌های ذی‌نفع در رانت ایجاد کند و در نتیجه نابرابری درآمد را به نفع طبقه ذی‌نفع گسترش دهد. در این زمینه مطالعه‌ای مسبوق به سابقه نیست. به طور کلی، نتایج برآورد مدل به روش GMM نشان می‌دهد که نابرابری درآمدی دارای پایداری بالایی در طول زمان است، به‌طوری که ضریب متغیر وابسته با مقدار $(0/7)$ تأیید می‌کند که نابرابری درآمدی خود را تقویت می‌کند و بدون مداخله سیاستی، کاهش آن دشوار خواهد بود. علاوه بر این، متغیر جهانی شدن (با ضریب $-0/09$) تأثیر معناداری در کاهش نابرابری درآمدی دارد، که نشان‌دهنده مزایای تجارت آزاد و ادغام اقتصادی است. اما بررسی اثر متقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی نشان‌دهنده یک مکانیسم پیچیده و دوسویه است.

از یک سو، درآمدهای ناشی از رانت منابع طبیعی تأثیر مثبتی بر افزایش نابرابری دارند ($0/005$)، که با نظریه "تفرین منابع" هم‌خوانی دارد. این نظریه بیان می‌کند که در کشورهای وابسته به منابع طبیعی، تمرکز ثروت در دست

گروه‌های خاص، نابرابری را افزایش می‌دهد و مانع از توزیع عادلانه درآمد می‌شود. از سوی دیگر، اثر متقابل جهانی شدن و رانت منابع ($0/005$) نشان می‌دهد که هرچه یک کشور بیشتر در فرآیند جهانی شدن ادغام شود، اثر نابرابری زای رانت منابع نیز افزایش می‌یابد. این یافته با مطالعاتی که نشان داده‌اند جهانی شدن در کشورهای غنی از منابع می‌تواند منجر به افزایش قدرت نخبگان اقتصادی و سیاسی شود، هم‌راستا است.

نکته قابل توجه این است که متغیر نهادها در هیچ‌یک از مدل‌ها معنادار نشده است، که نشان می‌دهد کیفیت نهادی به‌صورت مستقیم تأثیر قابل توجهی بر نابرابری در این نمونه از کشورها ندارد. عدم معناداری این متغیر می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد، از جمله ساختار نهادی خاص کشورهای مورد مطالعه یا وجود متغیرهای دیگر که اثر قوی‌تری بر نابرابری دارند. بنابراین، برخلاف برخی مطالعات که نقش تعیین‌کننده‌ای برای نهادها در توزیع درآمد قائل هستند، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حداقل در این مدل، عوامل دیگری مانند جهانی شدن و منابع طبیعی اثرگذاری بیشتری دارند.

جهت تخمین مدل باید ابتدا مشخص شود داده‌ها به صورت مدل تلفیقی یا تابلویی باید تخمین زده شوند. جهت بررسی این موضوع از آزمون F لیمر استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی باید برآورد شود. همچنین در این پژوهش از آزمون سارگان^۱ برای معتبر بودن متغیرهای ابزاری (عدم وجود هیچگونه ارتباط بین اجزای خطا و ابزارهای بکارگرفته شده) استفاده شده است. براساس نتایج آزمون سارگان، متغیرهای ابزاری به کارگرفته شده در تخمین مدل از اعتبار لازم برخوردار هستند و فرضیه صفر مبنی بر مشخص بودن معادله رد نمی‌شود.

همچنین بررسی خودهمبستگی مدل داده‌های پانلی (پیروی پسماندها از یک فرآیند میانگین متحرک) ضرورت دارد. نتایج به دست آمده از بررسی خودهمبستگی بین جملات اخلاص نشان می‌دهد که در سطح خطای ۱ درصد خودهمبستگی در مرتبه اول وجود داشته و در مرتبه دوم وجود ندارد.

^۱. Sargan

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی بین مقاطع CD پسران

متغیر	آماره CD پسران	احتمال	نتیجه آزمون
لگاریتم سهم دهک بالا از درآمد	-1/05	0/29	عدم وابستگی بین مقاطع
لگاریتم جهانی شدن	40/03	0/000***	وابستگی بین مقاطع
لگاریتم رانت منابع طبیعی	37/6	0/000***	وابستگی بین مقاطع
لگاریتم حکمرانی	2/03	0/03**	وابستگی بین مقاطع
لگاریتم دموکراسی	2/07	0/03**	وابستگی بین مقاطع
لگاریتم نابرابری جنسیتی	56/26	0/000***	وابستگی بین مقاطع
لگاریتم اثرمتقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی	36/8	0/000***	وابستگی بین مقاطع

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نشانه‌های *، **، و *** به ترتیب سطوح معناداری ۱۰ درصد، ۵ درصد، و ۱ درصد است.

جدول ۴. نتایج آزمون ریشه واحد پسران

متغیر	آماره آزمون	احتمال	درجه پایایی
لگاریتم سهم دهک بالا از درآمد	-2/60	0/000***	I (1)
لگاریتم جهانی شدن	-2/26	0/02**	I (0)
لگاریتم رانت منابع طبیعی	-2/33	0/02**	I (0)
لگاریتم حکمرانی	-3/04	0/03**	I (1)
لگاریتم دموکراسی	-2/90	0/000***	I (1)
لگاریتم نابرابری جنسیتی	-2/54	0/000***	I (1)
لگاریتم اثرمتقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی	-2/30	0/02**	I (0)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نشانه‌های *، **، و *** به ترتیب سطوح معناداری ۱۰ درصد، ۵ درصد، و ۱ درصد است.

جدول ۵. نتایج آزمون هم‌انباشتگی معادلات مورد استفاده در پژوهش به روش وسترلاند

معادله	آماره آزمون	احتمال
معادله نابرابری درآمدی (حالت اول)	2/39	0/008
معادله نابرابری درآمدی (حالت دوم)	3/04	0/001
معادله نابرابری درآمدی (حالت سوم)	3/08	0/001

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵- نتیجه‌گیری و توصیه سیاستی

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثرات متقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی، نهادها و اشکال دیگر نابرابری بر نابرابری درآمد در ۲۵ کشور منتخب طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۲۰ انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد تأثیر متغیر وابسته با وقفه (نابرابری درآمد در یک سال قبل) بر نابرابری درآمد مثبت و معنادار بوده‌است. این موضوع نشان از وجود بستر و ساختار لازم برای افزایش نابرابری حکایت دارد. تسری این شرایط به دوره بعد به افزایش مجدد نابرابری درآمد منجر می‌شود.

تأثیر نابرابری جنسیتی بر نابرابری درآمد مثبت و معنادار بوده‌است. اجرای سیاست‌هایی که انحرافات بازار کار را از بین می‌برد و زمینه بازی مساوی برای همه ایجاد می‌کند به زنان این فرصت را می‌دهد تا پتانسیل خود را توسعه دهند و در زندگی اقتصادی به طور آشکارتری مشارکت کنند. هزینه‌های این نابرابری، در کل جامعه و به صورت‌های مختلفی متبلور می‌شود، به عنوان مثال: نابرابری جنسیتی، تولید کل را کاهش می‌دهد (بخشی از تولید به دلیل تبعیض کنار گذاشته می‌شود) و توانایی کشور را در بهره‌گیری از بهترین استعدادها

در کشورها می‌تواند فواید جهانی شدن را به صورت نامساوی و به نفع طبقه برتر تخصیص دهد.

آنچه واضح است جهانی شدن به خودی خود نابرابری را افزایش نمی‌دهد مگر پیشتر نوع دسترسی به منابع محدود و در اختیار طبقه مسلط قرار گرفته باشد. در این راستا توصیه می‌شود ضمن پیگیری سیاست‌هایی که امکان حضور در عرصه جهانی را رقم می‌زند مانند عضویت در مجامع بین‌المللی، به طور متوازن و همزمان دسترسی صرف طبقه مسلط بر رانت منابع طبیعی محدود شود. در اقتصاد جهانی، دسترسی محدود به منابع باعث می‌شود گروه‌های ضعیف نتوانند از فرصت‌های جدید استفاده کنند. تبدیل ثروت‌های تجدیدنپذیر مانند منابع طبیعی به ثروت‌های تجدیدنپذیر مانند دانش، فناوری، زیرساخت‌های پایدار و سرمایه انسانی یکی از راهبردهای موفقیت در عرصه جهانی شدن است. با تزریق رانت منابع طبیعی به بخش‌های مذکور ضمن جلوگیری از دسترسی محدود و صرف طبقه مسلط بر آن، می‌توان جریان درآمدی باثباتی ایجاد کرد که نه تنها آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر تکان‌ها کاهش می‌دهد، در عین حال با تقویت ساختار اقتصادی می‌توان با حضور مفید و مؤثر در عرصه جهانی شدن تهدیدهای این پدیده را به فرصت تبدیل کرد. همچنین با درآمد باثبات ایجاد شده، دست دولت برای اجرای سیاست‌های حمایتی هم بازتر خواهد شد.

محدود ساخته و موجب تقلیل بهره‌وری و رشد اقتصادی و در نتیجه افزایش نابرابری‌ها می‌شود. جهت کاهش نابرابری جنسیتی؛ دسترسی برابر به آموزش باید تضمین شود. توانمندسازی زنان در محیط کار در اولویت قرار گیرد. حمایت‌های قانونی و دستیابی به نمایندگی سیاسی لازم است. تأثیر دموکراسی بر نابرابری درآمد منفی و معنادار بوده است. سیاست‌های دولت هم زمین بازی را که مردم در آن زندگی می‌کنند شکل می‌دهند و هم اهرمی مستقیم برای هدایت منابع به افراد، گروه‌ها یا مکان‌های خاص فراهم می‌کنند. دموکراسی نابرابری‌های درآمد را از طریق کاهش نفوذ نابرابر آرا و نمایندگی افراد از گروه‌های مختلف (به ویژه طبقات) در سیاست کاهش می‌دهد. برای رسیدن به دموکراسی باید از تمرکز قدرت جلوگیری شود. در این راستا افزایش آموزش مدنی و اصلاحات انتخاباتی مانند کاهش موانع ورود به سیاست توصیه می‌شود.

تأثیر جهانی شدن بر نابرابری درآمد منفی و معنادار بوده است. جهانی شدن تغییراتی در قوانین، فناوری‌ها یا قیمت‌ها - که موانع مبادلات بین‌المللی هستند - ایجاد می‌کند و دستاوردهای مرتبط با چنین تجارتی را افزایش می‌دهد، بنابراین فرصت‌های جدیدی برای همه گروه‌ها ایجاد می‌کند. رانت منابع طبیعی تأثیر مثبت و معنادار بر نابرابری درآمد داشته است. اما اثر متقابل جهانی شدن و رانت منابع طبیعی بر نابرابری درآمد مثبت و معنادار بوده است. وجود ساختار رانتی

جدول ۶. نتایج برآورد مدل به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) دو مرحله‌ای

Dependent variable: Ln Income Inequality	۱	۲	۳
Ln Income Inequality _{t-1}	0/70***	0/69***	0/69***
Ln Gender Inequality Index	0/01***	0/01***	0/01***
Ln Democracy	-0/02***	-0/04***	-0/04***
Ln Institution	-0/009	-0/01	-0/02
Ln Globalization	-0/09*	---	---
Ln Resources Rents	---	0/005***	---
Ln Rents*Globalization	---	---	0/005***
Number of obs	275	275	275
Number of Groups	25	25	25
F (24, 271)	222***	231/65***	231/77***
Sargan test	21/09	21/12	21/1
Autocorrelation	AR (1)	-2/57***	-2/61***
	AR (2)	0/49	0/8

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نشانه‌های *، **، *** به ترتیب سطوح معناداری ۱۰ درصد، ۵ درصد، و ۱ درصد است.

منابع

- Acemoğlu, D. (2012). "Introduction to Economic Growth". *Journal of Economic Theory*, 147(2), 545-550. doi: 10.1016/j.jet.2012.01.023.
- Acheampong, A. O., Dzator, J., Abunyewah, M., Erdiaw-Kwasie, M. O. & Opoku, E. E. O. (2023). "Sub-Saharan Africa's Tragedy: Resource Curse, Democracy and Income Inequality". In *Social Indicators Research*, 168(1), Springer Netherlands. <https://doi.org/10.1007/s11205-023-03137-2>
- Akpa, A. F. (2023). "Effect of Natural Resources Rents on Income Inequality in Sub-Saharan Africa: Exploring the Direct and Indirect Transmission Mechanisms". *International Journal of Development Issues*, 22(2), 167-181. <https://doi.org/10.1108/IJDI-11-2022-0244>
- Al-Khafaji, A. & Al-Moula-Dhanoun, M. (2022). "The Effect of Institutional Quality on Income Distribution in Institutionally Developed Countries". *Tikrit Journal of Agricultural and Economic Sciences*, 18(58), 1-12. <https://doi.org/10.25130/tjaes.18.58.1.12>
- Alvarado, R., Tillaguango, B., López-Sánchez, M., Ponce, P. & Işık, C. (2021). "Heterogeneous Impact of Natural Resources on Income Inequality: The Role of the Shadow Economy and Human Capital Index". *Economic Analysis and Policy, Elsevier*, 69(C), 690-704.
- Arellano, M. & Bond, S. (1991). "Some Tests of Specification for Panel Data, Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations". *Review of Economic Studies*, 58(c), 277-97.
- Atkinson, A. B. (1997). "Bringing Income Distribution in from the Cold". *The Economic Journal*, 107, 297-321.
- Athari, K. (2001). "In Search of Social Justice". *Quarterly Journal of Social Security*, 3(2), 51-60. (In Persian).
- Avom, D., Ovono, N. & Nkoa, E. (2022). "Revisiting the Effects of Natural Resources on Income Inequality in Sub-Saharan Africa". *International Journal of Development Issues. Emerald Group Publishing Limited*, 21(3), 389-412.
- Baltagi, B. H. (2005). "Economic Analysis of Panel Data". John Wiley & Sons, Ltd.
- Bergh, A. & Nilsson, T. (2010). "Do Liberalization and Globalization Increase Income Inequality?". *European Journal of Political Economy*, 26(4), 488-505
- Berisha, E., Chisadza, C., Clance, M. & Gupta, R. (2021). "Income Inequality and Oil Resources: Panel Evidence from the United States". *Energy Policy*, 159, 112603. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2021.112603>
- Blundell, R. & Bond, S. (1998). "Initial Conditions and Moment Restrictions in Dynamic Panel Data Models". *Journal of Econometrics*, 87(c), 115-143.
- Bonica, A., McCarty, N., Poole, K. & Rosenthal, H. (2013). "Why Hasn't Democracy Slowed Rising Inequality?". *Journal of Economic Perspectives*, 27(3), 103-24. doi: 10.1257/jep.27.3.103
- Chiquiar, D. (2008). "Globalization, Regional Wage Differentials and the Stolper-Samuelson theorem: Evidence from Mexico". *Journal of International Economics*, 74(1), 70-93. <https://doi.org/10.1016/j.jinteco.2007.04.001>
- Choi, E. (2016). "The Nexus of Political Inequality and Economic Inequality in Established Democracies". *Asian Journal of Comparative Politics*, 1(3), 231-249.
- Chong, A. & Gradstein, M. (2004). "Inequality and Institution". Research Department Inter-American Development Bank: New York, Working

Paper No. 506

- Davis, G. A. (2020). "Large-Sample Evidence of Income Inequality in Resource-Rich Nations". *Mineral Economics*, 33(1-2), 193-216. <https://doi.org/10.1007/s13563-019-00207-1>
- Dell'Anno, R. (2016). "Analyzing the Determinants of the Shadow Economy With a "Separate Approach An Application of the Relationship Between Inequality and the Shadow Economy, World Development". *Elsevier*, 84(C), 342-356.
- Dincer, O. C. & Gunalp, B. (2012). "Corruption and v United States". *Journal of Contemporary Economic Policy*, 30(2), 283-292.
- Dobre, I., Jianu, I., Bodislav, D. A., Rădulescu, C. V. & Burlacu, S. (2019). "The Implications of Institutional Specificities on the Income Inequalities Drivers in European Union". *Economic Computation and Economic Cybernetics Studies and Research*, 53(2), 59-76. doi: 10.24818/18423264/53.2.19.04.
- Farzanegan, R. & Habibpour, M. (2017). "Resource Rents Distribution, Income Inequality and Poverty in Iran". *Energy Economics*, 66, 35-42. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2017.05.029>
- Fawaz, F. & Frey, E. (2020). "The Impact of Abundancy of Resources and Regime Type on Income Inequality: The Case of Less-Developed Countries". *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 41(1), 1-7, doi: 10.1016/j.kjss.2018.05.015
- Firebaugh, G. (2003). "The New Geography of Global Income Inequality". Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Ferreira, A., Gisselquist, R. & Tarp, F. (2022). "On the Impact of Inequality on Growth, Human Development, and Ggovernance". *International Studies Review*, 24(1). doi.org/10.1093/isr/viab058
- Fouejieu, A., Ratna, S., Martin, C. & Shiyuan, Ch. (2020). "Financial Inclusion and Inequality: A Cross-Country Analysis". *The Journal of International Trade & Economic Development*, 29(8), 1018-48. <https://doi.org/10.1080/09638199.2020.1785532>
- García Viña, J. (2015). "Economía Sumergida y Relaciones Laborales en Europa". *Revista Latinoamericana De Derecho Social*, 1(21), <https://doi.org/10.22201/ij.24487899e.2015.21.9763>
- Goderis, B. & Malone, S. W. (2011). "Natural Resource Booms and Inequality: Theory and Eevidence". *The Scandinavian Journal of Economics*, 113(2), 388-417. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9442.2011.01659.x>
- Goldberg, P. & Pavcnik, N. (2007). "Distributional Effects of Globalization in Developing Countries". *Journal of Economic Literature*, 45(1), 39-82
- Gradstein, M., B. Milanovic, & Y. Ying. (2001). "Democracy and Income Inequality: An Empirical Analysis". Policy Research Working Paper, No. 2561, World Bank, Washington, DC.
- Hamidiyan, A., Zahedi, M. J., Maleki, A. & Ansari, E. (2015). "The Study of Relation Between Socio- Economic Inequality and Social Exclusion in Isfahan Metropolis". *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 4(6), 1-32. (In Persian).
- Han, J., Liu, R. & Zhang, J. (2012). "Globalization and Wage Inequality: Evidence from Urban China". *Journal of International Economics*, 87(2), 288-297.
- Hanson, G. H. (1999). "Trade Policy and Wage Inequality in Mexico: A Modeling Approach. *Economía Mexicana*". *Nueva Época*, 8(1), 55-82.
- Hartwell, C. A., Horvath, R., Horvathova, E. & Popova, O. (2019). "Democratic

- Institutions, Natural Resources, and Income Inequality". *Comparative Economic Studies*, 61(4), 531-550. <https://doi.org/10.1057/s41294-019-00102-2>
- Heimberger, Ph. (2019). "Does Economic Globalization Affect Income Inequality? A Meta-Analysis". *The World Economy*, 43(11), 2960-2982. doi.org/10.1111/twec.13007
- Hsiao, C. (2007). "Panel Data Analysis—Advantages and Challenges". *Test*, 16(1), 1-22. <https://doi.org/10.1007/s11749-007-0046-x>
- Jäntti, M., Pirttilä, J. & Rönkkö, R. (2018). "The Determinants of Redistribution Around the World". *Review of Income and Wealth*, 59-73. <https://doi.org/10.1111/roiw.12406>
- Kao, C. (1999). "Spurious Regression and Residual-Based Tests for Cointegration in Panel Data". *Journal of Econometrics*, 90(1), 1-44. [https://doi.org/10.1016/S0304-4076\(98\)00023-2](https://doi.org/10.1016/S0304-4076(98)00023-2)
- Karmakar, A. K. & Jana, S. K. (2022). "Globalization, Income Inequality, and Wealth Disparity: Issues and Evidence. Chandra Das, R. (Ed.) Globalization, Income Distribution and Sustainable Development". Emerald Publishing Limited, Leeds, pp. 9-20. <https://doi.org/10.1108/978-1-80117-870-920221004>
- Kim, Y. (2021). "Determining Critical Factors of Gender Inequality: the Evidence from 34 OECD and Non-OECD Countries". *World Development Perspectives*, 21(C). doi: 10.1016/j.wdp.2020.100284
- Kim, D. H. & Lin, S.-C. (2018). "Oil Abundance and Income Inequality". *Environmental and Resource Economics*, 71, 825-848. <https://doi.org/10.1007/s10640-017-0185-9>
- Kim, D. H., Chen, T. C. & Lin, S. C. (2020). "Does Oil Drive Income Inequality? New Panel Evidence". *Structural Change and Economic Dynamics*, 55, 137-152. <https://doi.org/10.1016/j.Strueco.2020.08.002>
- Knack, S. & Keefer, Ph. (1995). "Institution and Economic Performance, Cross - Country Tests Using Alternative Measures". *Economics and Politics*, 7(13), 207-227.
- Keohane, R. (1988). "International Institutions: Two Approaches". *International Studies Quarterly*, 32(4), 379-396. doi: 10.2307/2600589. ISSN 0020-8833. JSTOR 2600589. S2CID 145468285
- Komijani, A. (1994). "Considerations on Choosing a Suitable Currency System for Iran". *Economic Research and Policies*, 2(2), 0-0. SID. <https://sid.ir/paper/426432/fa> (In Persian)
- Kunawotor, M. E. & Avortri, C. (2020). "Drivers of Income Inequality in Africa: Does Institutional Quality Matter". *Journal of Economic and Administrative Sciences*, 38(1), 107-125. <https://doi.org/10.1108/JEAS->
- Lawrence, M. (2015). "Political Inequality: why British Democracy Must be Reformed and Revitalized". IPPR. <https://www.ippr.org/publications/political-inequality-why-british-democracy-must-be-reformed-and-revitalised>
- Li, H., Squire, L. & Zou, H. F. (1998). "Explaining International and Intertemporal Variations in Income Inequality". *Economic Journal*, 108, 26-43.
- Malinen, T. (2010). "Does Income Inequality Contribute To Economic Growth?". [Working Paper]. University of Helsinki.
- Mi, Z. & Liu, Q. (2014). "Income Inequality, Fiscal Redistribution, and Governmental Corruption: the Evidence From Chinese Provincial Data". *Journal of Developing Areas*, 48(4), 119-137.

- Mills, M. (2009). "Globalization and Inequality". *European Sociological Review*, 25(1), 1–8, <https://doi.org/10.1093/esr/jcn046>
- Mumuni, S. & Abille, A. B. (2023). "Do Trade Liberalization and External Debt Offset Income Inequality? New Evidence From Selected African Countries". *Cogent Economics & Finance*, 11(2), <https://doi.org/10.1080/23322039.2023.2241228>
- Nademi, Y. (2018). "The Resource Curse and Income Inequality in Iran". *Quality and Quantity*, 52(3), 1159–1172. <https://doi.org/10.1007/s11135-017-0510-y>
- Náplava, R. (2020). "Institutional Quality and Income Inequality: Evidence from Post-Soviet Countries". *European Journal of Business Science and Technology*, 6(2), 100–112. doi: 10.11118/ejobsat.2020.007
- Neves, P. C. & Silva, S. M. T. (2014). "Inequality and Growth: Uncovering the Main Conclusions from the Empirics". *Journal of Development Studies*, 50(1), 1–21. <https://doi.org/10.1080/00220388.2013.841885>
- North, D. (1991). "Institutions". *Journal of Economic Perspectives*, 5(1), 97–112. doi: 10.1257/jep.5.1.97. ISSN 0895-3309
- Obasuyi, F. O. & Rasiah, R. (2019). "Addressing Education Inequality in Sub-Saharan Africa". *African Journal of Science, Technology, Innovation and Development*, 11(5), 629–641. <https://doi.org/10.1080/20421338.2019.1567655>
- Osakwe, N. & Solleder, O. (2023). "Wealth distribution, Income Inequality and Financial Inclusion: A Panel Data Analysis". UNCTAD Working Papers #4, United Nations Conference on Trade and Development.
- Paul, J. (2006). "Globalism, Nationalism, Tribalism. London: Sage publications". Archived from the original on 29 April 2020. Retrieved 20 December 2017
- Pedroni, P. (1999). "Critical Values for Cointegration Tests in Heterogeneous Panels With Multiple Regressors". *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 61(S1), 653–670. <https://doi.org/10.1111/1468-0084.0610s1653>
- Pedroni, P. (2004). "Panel Cointegration: Asymptotic and Finite Sample Properties of Pooled Time Series Tests with an Application to the PPP Hypothesis". *Econometric Theory*, 20(3), 597–625. <https://doi.org/10.1017/S0266466604203073>
- Pesaran, M. H. (2003). "A Simple Panel Unit Root Test in the Presence of Cross-Section Dependence". *Journal of Applied Econometrics*, 22(2), 265–312. <https://doi.org/10.1002/jae.951>
- Piketty, Th. (2014). "Capital in the Twenty-First Century". Trans. Arthur Goldhammer. Cambridge, MA: Harvard University Press. <https://www.hup.harvard.edu/catalog.php?isbn=9780674430006>
- Policardo, L. & Carrera, E. J. S. (2018). "Corruption Causes Inequality, or is it the Other Way Around? An Empirical Investigation for a Panel of Countries". *Economic Analysis and Policy*, 59, 92–102. <https://doi.org/10.1016/j.eap.2018.05.001>
- Rakesh Mohan, J. (2009). "International Business". Oxford University Press, New Delhi and New York ISBN 0-19-568909-7
- Rahmani, T. & Golestani, M. (2010). "Resource Curse, Rent-Seeking, and Income Inequality in Oil Rich Countries". *Journal of Economic Research (Tahghighat- E- Eghtesadi)*, 44(4), 0–0. (In Persian). <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.00398969.1388.44.4.3.3>

- Ravallion, M. (2018). "Inequality and Globalization: A Review Essay". *Journal of Economic Literature*, 56(2), 620-642. <https://doi.org/10.1257/jel.20171360>
- Robertson, R. (2004). "Relative Prices and Wage Inequality: Evidence from Mexico". *Journal of International Economics*, 64(2), 387-409. doi: 10.1016/j.jinteco.2003.06.003
- Robinson, J. A., Torvik, R. & Verdier, T. (2006). "Political Foundations of the Resource Curse". *Journal of Development Economics*, 79, 447-468. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2006.01.008>.
- Roozdar, A., Rajabi, M. & karimi, F. (2024). "The Effects of Rent from Natural Resources, Shadow Economy and Human Development Index on Income Inequality: a Cross-Country Analysis". *Iranian Journal of Trade Studies*, 28(110), 29-56. doi: 10.22034/ijts.2024.2015888.3920. (In Persian).
- Roy, A. & Le, A. (2019). "Gender Equality: Better for Growth, Debt, Income Equality, and Sustainability". Global Demographics and Retirement Research. <https://img1.wsimg.com/blobby/go/40e5f9d4-d0c8-451f-b829-d3a6c97cdac1/Gender%20Equality%20Better%20for%20Growth%2C%20Debt%2C%20Incom.pdf>
- Sadeghi Amroabadi, B. (2022). "Analyzing the Asymmetric Cumulative Effects of Rentier State on Income Inequality in Mena Countrie". *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, 9(3), 113-146. doi: 10.22034/ecoj.2022.42390.2748. (In Persian).
- Sawadgo, R. & Ouoba, Y. (2023). "Do Natural Resources Rents Reduce Income Inequality? A Finite Mixture-Of-Regressions Approach. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4596361> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4596361>
- Scheve, K. & Stasavage, D. (2017). "Wealth Inequality and Democracy". *Annual Review of Political Science*, 20(c), 451-468. <https://doi.org/10.1146/annurev-polisci-061014-101840>
- Scherzer, J. & Sinner, J. (2006). "Resource Rent: Have You Paid any lately?". Ecologic Research Report, 8(c). https://www.academia.edu/19262382/Resource_Rent_Have_You_Paid_Any_Lately
- Scholte, J. A. (2008). "Defining Globalisation". *The World Economy*. 31 (11): 1471-1502. doi:10.1111/j.1467-9701.2007.01019.x
- Sebri, M. & Dachraoui, H. (2021). "Natural Resources and Income Inequality: A Meta-Analytic Review". *Resources Policy*, 74, 102315. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2021.102315>
- Shahabadi, A., Amiri, B. & Sarigol, S. (2016). "Institutions and Income Equality (Case Study: Selected Non-Aligned Movement Countries)". *Economics Research*, 16(61), 155-179. doi: 10.22054/joer.2016.5292
- Shin, K. (2020). "A New Approach to Social Inequality: Inequality of Income and Wealth in South Korea". *The Journal of Chinese Sociology*, 7(17), 1-15.
- Šimovičová, S. & Urbančíková, N. (2022). "The Impact of Social, Economic and Gender Inequality on Prosperity in the European Union countries". *Quality Innovation Prosperity*, 26(3), 66-87. <https://doi.org/10.12776/qip.v26i3.1769>
- Smith, M., Zidar, O. & Zwick, E. (2022). "Top Wealth in America: New Estimates Under Heterogeneous Returns". *The Quarterly Journal of Economics*, 138(1), 515-573. doi:10.1093/qje/qjac033. ISSN 0033-5533.
- Stolper, W. F. & Samuelson, P. A. (1941). "Protection and Real Wages". *The Review of Economic Studies*, 9(1), 58-73. doi: 10.2307/2967638. JSTOR